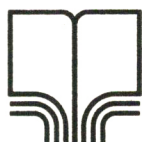


گیل گمش

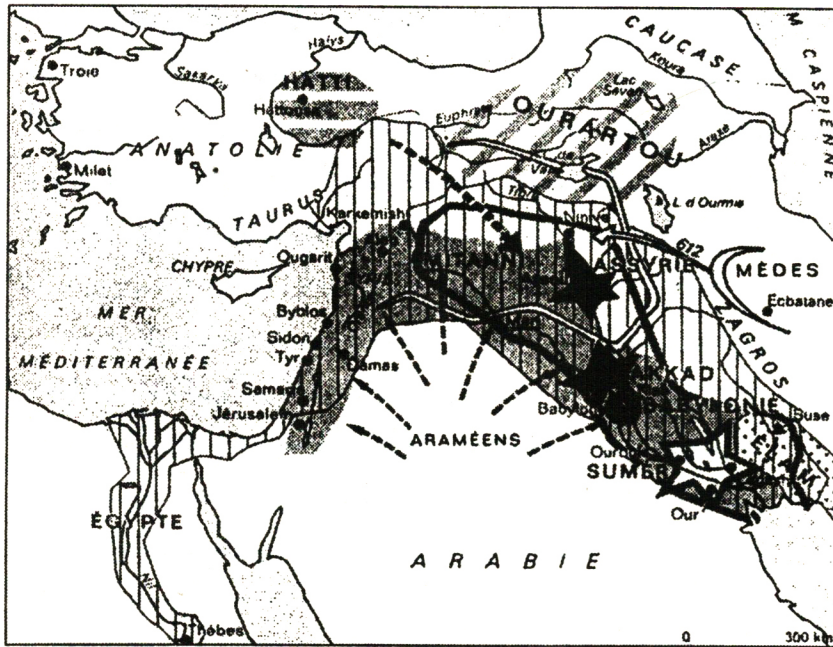
برگردان احمد شاملو







باتصویرسازی مرتضی ممیز



نشر چشمه

منطقه‌ی بین‌النهرین، Mésopotamie، از هزاره‌ی ششم تا هزاره‌ی اول پیش از میلاد مهم‌ترین مرکز تمدن بشری بود و پهلوآن‌نامه‌ی گیل‌گمش به‌طور دقیق بزرگ‌ترین یادگار مکتوب آن دوران است. هرچند این حماسه به‌تمامیت و کمال آثار کوتاه‌تر آن عهد نیست، به‌دلیل زبان فخیم و غنای مایه‌ها و درخششی که در سرتاسر دنیای متمدن عصر خود یافت شایسته‌گی آن را دارد که به‌مثابه‌ی گویاترین نماینده‌ی تعهد انسانی - اجتماعی - شاعر یا شاعران گذرگاهی از تاریخ مورد بررسی انتقادی قرارگیرد.



- | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
|  | امپراتوری کهن بابل
در پایان سلطنت همورابی
(۱۸ قرن پیش از میلاد) |  | امپراتوری جدید بابل نبوکدنصر
(۶۰۵ تا ۵۳۹ پیش از میلاد) |  | احیاء حکومت آشور
در چهارده قرن پیش از میلاد |
|  | حمله‌ی هیت‌ها به بابل
حدود ۱۵۹۵ پیش از میلاد |  | امپراتوری هوری‌می‌تانی
حدود ۱۲۵۰ پیش از میلاد |  | حداکثر وسعت امپراتوری آشور
در نیمه‌ی اول قرن پنجم پیش از میلاد |

باید توجه داشت که پهلوان‌نامه‌ی گیل‌گیش در حقیقت نه محصول نقطه‌ی جغرافیایی و ویژه‌ی از آن منطقه است نه دستاورد زمان مشخصی از شروع آن دوران پنج‌هزارساله و نه حتی یادگار ملتی واحد. این، متوجهی اسطوره‌ی سومری است که در مدتی بیش از هزارسال به یک‌سان در قلمرو آشوریان و بابلیان به شکوفه‌نشسته مرزها را از همه‌سویی درنوشته بی‌درنگ در قلمرو گسترده‌ی از فلسطین تا قلب آناتولی و دربار پادشاهان هیتی مورد ترجمه یا گرت‌برداری قرار گرفته است.

کامل‌ترین متن آن که به ما رسیده متنی است که بر الواحی از خشت نگاشته آن‌گاه در کوره پخته‌اند. این مجموعه شامل دوازده لوح است، هر لوح مشتمل بر شش ستون پله‌وار به صورت شعر، که ضمن کاوش در بقایای کتابخانه‌ی آشور بانی‌پال پادشاه آشور^۱ به دست آمد. هر یک از این دوازده لوح یا دوازده سرود شامل شش ستون است در سیصد سطر شعر^۲، مگر آخرین لوح آن که آشکارا الحاقی و به وضوح از یازده لوح قبلی کوتاه‌تر است^۳.

این حماسه‌ی بلند در مجموع سه‌هزار و چهارصد و شصت سطر، ماجراهای زنده‌گی گیل‌گیش را شرح می‌دهد که یکی از قدیمی‌ترین پادشاهان اوروک بود و به خاطر کارهای نمایان و اعمال مخاطره‌آمیزش شهرت بسیار یافت. طبیعی است که صورت اقدامات تاریخی و واقعی این چنین چهره‌ها در طول زمان کنارنهاد می‌شود و شکل افسانه

۱. آشور بانی‌پال (۶۶۹-۶۲۷ ق م) سلطانی مقتدر و مخوف اما حامی دانش و ادبیات. اطلاعاتی که به دستور وی گرد آمده بر الواح بسیار نقر شد منبع آگاهی تا چندین هزاره‌ی پیش از میلاد است.

۲. همین جا گفته‌باشم که حفظ صورت شعری آن در فارسی میسر نبود و به اصل اثر لطمه می‌زد.

۳. در جای خود به آن اشاره خواهم کرد.

به خود می‌گیرد. مگر پور سینای خود ما که در نیمه‌ی دوم قرن سوم هجری زیست و افکار و آثارش نیز پیش روی ماست در حاله‌ی از ده‌ها قصه و افسانه‌ی عامیانه پیچیده نشد؟^۱

گیل‌گیش از لحاظ تاریخی پنجمین پادشاه از نخستین سلسله‌ی سلطنتی سومر است که پس از توفان نوح در یک دوره‌ی ۱۲۵ ساله برسومریان حکم می‌راند. اما این پادشاه فراواقعی که در آغاز دومین هزاره‌ی گرت پایتخت اش حصار می‌کشد ظاهراً باید شاهی افسانه‌ی باشد. گیرم یک سند مشخص در دست است که نشان می‌دهد آنچه او در معبد نیپور Nippur انجام داده واقعیتی تاریخی است و در این صورت محتمل است که شاه گیل‌گیش در بیست و هشت قرن پیش از میلاد حقیقتاً در اوروک نقش مهمی ایفا کرده باشد و بلافاصله پس از مرگش برگرد شخصیت او افسانه‌ی به هم بافته‌باشند، هم چنان که در مورد سارگون آگدی^۲ و اسکندر مقدونی چنین شده است. آیا افسانه‌های عامیانه‌ی اسکندرنامه‌ها با وقایع تاریخی زمان او کم‌ترین ارتباطی به هم می‌رسانند؟ سنت نقل سینه‌به‌سینه‌ی حوادث غلوآمیز تاریخی معمولاً سفرنامه‌ی بی‌راهی آن‌ها را به پرت آبادهای اسطوره می‌کشاند.

از آغاز دومین هزاره‌ی پیش از میلاد اشعار گرت‌برداری شده‌ی بسیاری به دست ما رسیده که بی‌گمان ملغمه‌ی از آثار سومری. اواخر هزاره‌ی سوم است. هر یک از آن اشعار به بخشی از زنده‌گی قهرمانان پرداخته که هنوز مستقل مانده در هم تنیده نشده یا در جاهای خود قرارنگرفته است اما به هر تقدیر، سبک نگارش و سیاق تفکر مذهبی آن‌ها به طرز غیر قابل انکاری

۱. از آن جمله کتاب کوچه، دفترهای حرف ب، ص ۱۶۵۷ تا ۱۶۷۵.

۲. سارگون پادشاه آگدی: ۲۳۴۰ تا ۲۳۰۵ ق م.

سومری است. یکی از آن‌ها نبرد گیل‌گمش و آگه - شاه‌کیش^۶ - را حکایت می‌کند دیگری از تاخت و تاز او به جنگل سدر و درآویختن‌اش با نگهبان آن خوم‌بیهی عفریت و سومی به ستایش از مبارزه‌ی قهرمان با نرگا و آسمانی می‌پردازد که الاله این‌تنه^۷ برای کشتن او به زمین گسیل کرد چرا که امتیازات پیشنهادی او را نپذیرفته بود و چهارمی مایه‌های دوگانه‌ی جست و جوی حیات جاوید و مرگ پهلوان را شاخ و برگ می‌دهد که در واقع روشن نیست مربوط به خود گیل‌گمش یا دوست‌اش انکیدو است هر چند که در قطعه‌ی دیگری سایه‌ی انکیدو را می‌بینیم که برگیل‌گمش آشکار شده است تا روزگار غم‌بار مرده‌گان و جهان زیرین را برای او حکایت کند.

نقل داستان توفان بزرگ در روایت سومری منظومه‌جایی ندارد، در واقع این روایت نه به شخص گیل‌گمش می‌پردازد نه به زمان او. اما بعدها شاعران آکدی برای بافت حماسه‌شان از آن بهره‌می‌گیرند و با واداشتن او ته‌نه پیش تیم^۸ به نقل سرگذشت خود برای گیل‌گمش (که به نیت آگاهی از راز حیات جاوید به نزد او می‌رود) برای یکی دیگر از سرودهای خویش دست‌مایه‌ی تازه‌یی حاصل می‌کنند.

رشته‌ی کهن حماسه‌ی آکدی از این‌جا آغاز می‌شود و با جداشدن از سرچشمه‌های سومری و گرد آوردن بخش‌های پراکنده‌ی زنده‌گی پهلوانی گیل‌گمش اثری منحصر به فرد به وجود می‌آورد.

۶. Akka شاه‌شهر و کشور باستانی کیش Kiš واقع در حدود ۸۰ کیلومتری جنوب بغداد کنونی در چهارهزارسال پیش از میلاد که نخستین پادشاهان پس از توفان نوح در آن سلطنت یافتند. اکه یا اگه Ega بیست و چهارمین شاه این سلسله، قهرمان منظومه‌ی سومری است که نبرد او با گیل‌گمش را وصف می‌کند.

۷. Innana، در متن ما بیشتر عامل قضیه است.

۸. Uta - Napištim، نوح هزاره‌های بعد.

سراینده‌ی حماسه از همان نخستین سطرها اعلام می‌کند که می‌خواهد به تفصیل سرودی پهلوانی ساز کند و پیشاپیش از پاره‌یی کارهای نمایان او که تارهای حکایت را می‌بافد به اشاره یاد می‌کند. اگر بپذیریم که لوح دوازدهم به طور قطع بعدها به منظومه افزوده شده تا حدودی قبول می‌توان کرد که لوح یازدهم با تکرار سطور ابتدای حماسه به پایان رسد^۹.

وحدت موضوع وحدت عناصر روان‌شناختی نیز هست. گیل‌گمش در طول تمام حوادثی که به وجود می‌آورد یا با آن‌ها درگیر می‌شود با تحرك عمیق و روحیه‌ی مقاومی دست به عمل می‌زند که مطلقاً در منابع سومری افسانه وجود ندارد و اصولاً حکمت بالغه‌ی آن نیز یکسره متفاوت است. یعنی مساله‌ی ستر و برداشت از مفهوم گناه و درک مرگ نیز کاملاً به صورت‌های دیگر مطرح می‌شود. شاعر موجودی از نژاد سامی است که منابع را در کمال آزادی مورد استفاده قرار می‌دهد. پاره‌یی چیزها را می‌گیرد پاره‌یی را کنار می‌گذارد و بعد برای غنابخشیدن به تارهای حماسه براساس طرحی که برای پیش‌برد اندیشه‌ی خود ریخته است عناصر انتخابی‌اش را گرد می‌آورد.

ما نمی‌دانیم آگدی شدن این اثر دقیقاً در چه تاریخی صورت گرفته همین قدر مطمئن‌ایم که اگر نه به دفعات بیش‌تر، دست‌کم در دومرحله انجام پذیرفته زیرا حماسه تا به دست ما برسد به وضوح مراحل‌ی از شکوفایی را طی می‌کند.

نسخه‌های بابلی کهنی که در دست ما است و حتا نسخ مربوط به اواسط هزاره‌ی دوم، مثلاً نسخه‌های هیتی، وقتی با پاره‌هایی از روایت نینوایی آن

۹. چنان که خواهیم دید تکرار نومیدانه‌ی اقداماتی که گیل‌گمش در اوروک انجام داده در آخر لوح یازدهم - بدین مفهوم است که از آدمی فقط آن‌چه کرده به جا خواهد ماند چرا که او خود طعمه‌ی مرگ است.